

بررسی مقررات کیفری حاکم بر جرائم اطفال و نوجوانان در نظام حقوق کیفری ایران و مصر

عاطفه احسانی زاده^۱، حسن باوی*^۲، محمد رضازاده سلطان آباد^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از حوزه‌های پر اهمیت در عدالت کیفری کشورها، سیاست‌گذاری جنایی از حیث تعیین نوع، میزان و چگونگی اجرای واکنش‌های کیفری نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان فارغ از هرگونه جانبداری سنی یا جنسیتی است. این مشکل وعدم رعایت جانب‌داری و تفکیک جنسیتی و سنی، به ویژه در کشورهای اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد. از آنجاکه دو کشور ایران و مصر به عنوان دو کشور اسلامی دارای نظام‌های حقوقی شریعت‌مدار هستند و از طرفی تلاش دارند خود را با معیارهای عرفی متناسب با زمان و نیز اسناد و مقررات بین‌المللی هماهنگ سازند، ناکارآمدی برخی قوانین کیفری به‌وضوح باعث نارسایی عدالت کیفری در این دو کشور شده است. لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین نقاط اشتراک و افتراق نظام‌های حقوقی شریعت‌مدار مصر، مبتنی بر نظر فقهای متأخر حنفی از مذاهب اهل سنت و نظام حقوقی شریعت‌مدار ایران، مبتنی بر نظریه‌های فقه شیعه می‌باشد. در تحقیق حاضر چهار مسأله را مورد پژوهش و مذاقه قرار می‌دهیم. سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان، تأثیر جنسیت بر نوع، میزان و چگونگی مسئولیت کیفری و تفاوت واکنش‌های کیفری مبتنی بر سن و جنسیت بزهکاران نوجوان و جوان و نهایتاً نحوه اجرای احکام مربوطه. همچنین این مسأله مطرح می‌شود که واکنش‌های کیفری دو کشور اسلامی ایران و مصر در قبال ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص از سوی نوجوانان بالغ زیر ۱۸ سال چه کیفیتی داشته و منبعث از کدام رویکرد فقهی - عرفی است؟

روش: این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نظام عدالت قضایی مصر در گرایشات عرفی و پیروی از مقررات بین‌المللی و هماهنگی با آن‌ها و نیز اتخاذ رهیافت‌های علمی و جرم‌شناختی و دوری نسبی از آموزه‌های مذهبی به نسبت حقوق ایران در پذیرش و کاربریست مفهوم ماهوی - شکلی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان به موفقیت‌های بیشتری نائل گردیده است.

واژگان کلیدی: اطفال بزهکار، جنسیت، سن مسئولیت کیفری، سیاست‌گذاری جنایی، مقررات فقهی.

۱. کارشناسی ارشد حقوق و جزا جرم‌شناسی از دانشگاه علم و فرهنگ تهران، ایران.

Azar63ehsani@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان از دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

bavihasan@yahoo.com

۳. مربی مدعو گروه حقوق، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران.

dr.mohamadrezazadeh@gmail.com

مقدمه

یکی از معضلات قوانین کیفری برگرفته از حقوق اسلامی در زمان تقنین و نگارش مواد قانونی تفکیک سنی و جنسیتی از لحاظ مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار که قاعدتاً همگی زیر ۱۸ سال سن دارند می‌باشد چرا که شیوه‌های راهبردی و عملی مطالعات حوزه اطفال و نوجوانان و نیز توجه به معیارهای ماهیتی و مفهومی آن متناسب با روش‌های نظری، در عرصه مقررات بین‌المللی و تشکیلات عرفی - قانونی آن در قیاس با مقررات داخلی و قوانین منبعث از نظام شریعت و دینی اسلامی، خروجی و نتایج مختلفی را از حیث توجه به مقوله سن مسئولیت کیفری و نحوه کیفردهی و گزینش سیاست مقابله‌ای مطلوب ایجاد کرده است. این ناهمسانی باعث تبعیض سنی و جنسیتی در مواجهه با بزهکاری افراد مذکر و مؤنث بر پایه تفکیک جنسیتی در زیرمجموعه سنی کمتر از سن بلوغ می‌گردد.

جهت مقابله با رفتارهای بزهکارانه افراد در این رده سنی و نیز پیشگیری از بزهکاری محتمل باید واکنش‌های تقنینی مذکور در مقررات داخلی را در بوته سنجش قرار داد و با یک نگاه تطبیقی با عملکرد مشابه در دیگر کشورها مقایسه نمود تا نقاط قوت و ضعف را تشخیص و سپس حسب مورد، در نتیجه نوعی رویکرد تجربه محور و استفاده از نتایج عملی سازی مراحل آزمون و خطا در این حوزه، بتوان در راستای اصلاح و بهسازی احتمالی سیاست جنایی تقنینی مطلوب اقدام نمود. در بیشتر کشورهای اسلامی به علت اختلاف در نظریه‌های فقهی مذاهب مختلف، سن مشخصی برای مقوله بلوغ در امور کیفری تعیین و تدوین نشده است و در امور جزایی با نظریه‌های مختلفی جهت تعیین سن بلوغ مواجه شده‌ایم.^۱

دوگانگی و تعارض در ماهیت مفاهیم حقوقی که منبعث از شرایط و بستر سازی‌های فقهی است، همواره در نمودهای مشخصی از تعبیر جلوه‌گر است. آنچه که اهمیت دو چندان می‌باید، رسالت خطیر سیاست جنایی برای تعهد خود مبنی بر حمایت و صیانت جان- مالی- حیثیتی از اشخاص است که بر مبنای مطلوبیت و تمرکز بر به‌کارگیری حداکثری ظرفیت و توان مقابله‌ای خود در نتیجه کاربست عملی ابزارهای مناسب با هر مسئله مشخص می‌گردد. لذا در این محدوده می‌توان به بزهکاران به عنوان افرادی که نیازمند حمایت و حق بر تأمین می‌باشند، اشاره کرد که اگر سیاست جنایی با هدفمندی و تشکیل ساختار منسجم به بازتعریف مفاهیم نپردازد، احتمال تضییع حقوق افراد نیز دو چندان خواهد شد. مقوله سن و رشد کیفری که ریشه‌های فقهی و عرفی - حقوقی آن، در یک جدال تاریخی بر سر موضع‌گیری بر مبنای یک عدد واحد، دست‌خوش

۱. چنان که به طور مثال در قانون محاکم شرعی کشور مصر مصوب ۱۹۳۱ میلادی مجرمینی که دارای هفده سال تمام نباشند،

محکوم به اعدام یا اعدام شاقه نمی‌شوند (عوده، ۱۴۱۵: ۶۰۵)

معضلی اساس گردیده است که نمی‌توان براساس آن به یک مدل واقعی کیفردهی و نیز مفاهیم حمایت مدار نائل آمد.

پژوهش حاضر برای پیشبرد مطالب، با یک رویکرد مقایسه‌ای و توجه به حقوق موضوعه و نیز شرعی کشور مصر که قوانین جزایی آن به تاسی از موازین فقهی حنفی می‌باشد از یک طرف و بررسی رویکرد سیاست‌گذار جنایی ایران در حوزه تقنین مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار که مبتنی بر فقه شیعی می‌باشد از طرفی دیگر بر آن است که واکنش‌های کیفری هر دو کشور را با عنایت به تبعیت از قوانین بین‌الملل در خصوص مواجهه و اعمال مجازات بر روی اطفال و نوجوانان بزهکار، مورد بررسی قرار دهد و با تعیین حداقل و حداکثر سن مسئولیت کیفری، واکنش‌های سیاست‌گذار جنایی در دو نظام کیفری مصر و ایران در قبال ارتکاب جرائم مستوجب حد و قصاص توسط کودکان و نوجوانان، تأثیر جنسیت بر تعیین واکنش و در پایان نهاد جدید تحت عنوان ((پرونده اجرا))^۱ و دیگر تفاوت‌ها و اشتراکات موجود بین این دو حوزه قانونگذاری را بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل و توصیف داده‌ای اطلاعاتی موجود بررسی گردد.

۱- تبیین مفهوم طفولیت و سیری در تحولات تاریخی - بین‌المللی آن

یکی از مباحث مهم جهت محاکمه و مجازات مجرمین زیر ۱۸ سال، سن و جنسیت آن‌ها می‌باشد چرا که رویکرد فقهی قوانین جزایی ایران در این خصوص موجب تناقضی آشکار با رویکرد قواعد بین‌الملل در موارد مرتبط گردیده است و این چندگانگی، فراز و نشیب‌های بسیاری را در واکنش کیفری به جرائم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان در ایران ایجاد کرده است. در این خصوص و با نگاهی تطبیقی باید گفت حقوق کشور مصر عمدتاً برگرفته از عرف و شریعت مذهب حنفی به عنوان شاخه‌ای از اهل تسنن و حقوق ایران نیز عمدتاً عرفی اما به شدت متأثر از اصول شریعت مذهب شیعه می‌باشد. هر دو کشور، در شریعت اسلامی و قرآن و سنت پیامبر اسلام به عنوان منبع قانونگذاری مشترک‌اند اما گرایش حقوق مصر به پیروی از قوانین بین‌المللی بیش از کشور ایران است. هر چند واکنش‌هایی که قانون حقوق کودک مصر برای اطفال بزهکار اختیار کرده است، از واکنش‌های کیفری که قانونگذار ایران در نظر گرفته است، بیشتر می‌باشد، محکومیت طفل به جزای نقدی در مصر ممنوع است؛ لکن قاضی برای انتخاب واکنش و تدبیر مناسب به منظور اصلاح طفل بزهکار و رعایت اصل فردی کردن مجازات اختیارات بیشتری دارد.

۱. پرونده‌ای است که بعد از صدور رای قطعی در مرحله اجرای آراء تشکیل می‌شود و تمام اقدامات و تصمیماتی که در مرحله اجرای آراء اتخاذ می‌شود در این پرونده درج می‌شود. جهت اطلاعات بیشتر به مبحث چهارم مقاله رجوع شود.

واکنش‌هایی از قبیل توبیخ، تسلیم، نگهداری در هردو نظام حقوقی وجود دارد منتها در جزئیات با هم متفاوت هستند.

نظام حقوقی ایران در سال‌های اخیر گرایش و تمایل خود را به پیروی از مقررات اسناد بین‌المللی آشکار ساخته است به طوری که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به علت بهره‌گیری از آموزه‌های بین‌المللی و نیز یافته‌های علمی جرم‌شناسی و به ویژه مقررات کنوانسیون حقوق کودک این علائم به ظهور و بروز رسیده است.

۱-۱ - معیارهای سنی در نظام کیفری اسلام در تشخیص مقوله طفولیت

در خصوص ابتدا و انتهای کودکی، در حقوق ایران و اسلام گفته که دوران کودکی از زمان تولد شروع می‌گردد. از حیث معادل‌شناسی لغوی صغار، جمع صغیر است و در اصطلاح حقوقی، صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد. قانون مدنی صغیر را تعریف ننموده و دوران آن را بیان نکرده است؛ ولی چنان که از قسمت اول ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹) که بیان می‌دارد: هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیررشید است مع‌ذلک در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومیت خارج می‌شود. (که به موجب قانون اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف شد). فهمیده می‌شود، دوران صغر از زمان تولد شروع می‌گردد ... (امامی، ۱۳۷۶: ۴/۳۴۳).

برخی دیگر حتی پا را فراتر گذاشته و دوران جنینی را نیز به آن افزوده‌اند هر چند جنین وجودش وابسته به مادر است و هنوز به چنین موجودی کودک گفته نمی‌شود ولی با توجه به اینکه کودک، مرحله‌ای برای شکل‌گیری و تکامل پشت سر می‌گذارد، دوران زندگی جنینی یکی از آن مراحل است؛ زیرا کودک بعد از تولد نیز از تمام حقوق شهروندی که عموم افراد بزرگسال از آن برخوردارند، متمتع نمی‌شود و فرضاً حق رأی و... ندارد؛ به عبارت دیگر، محدودیت‌هایی به دلیل اینکه به تکامل نرسیده است، برای او در نظر گرفته می‌شود. در هر حال دوران زندگی جنینی به عنوان یکی از مراحل شکل‌گیری کودک است. پس با اندکی مسامحه این دوران مرحله‌ای از کودکی است و به همین دلیل طبق شواهد قانونی می‌توان برای جنین نیز حقوقی را در نظر گرفت؛ چه بسا تعرض به این حقوق نیز موجب مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود (گودرزی، ۱۳۷۴: ۵۹۵) البته نظر مخالف این موضوع نیز وجود دارد و اگرچه ممکن است گفته شود جنین دارای وجودی مستقل از مادر نیست؛ بلکه وجود وی وابسته به موجود زنده دیگری است، در نتیجه نمی‌تواند دارای شخصیت حقوقی و برخوردار از حق و تکلیف گردد. درباره پایان دوران کودکی در قوانین ایران مسئله مقداری پیچیده و در جنبه‌های گوناگون به یک صورت نیست.

۱-۲- تبیین موضوع بر مبنای نظر فقهای حنفی

مشهور فقهای حنفی به استناد آیه ۱۵۲ سوره انعام^۱ مدعی اند که از یک سو، بلوغ نشانه یکسانی نداشته و پسران با احتلام و دختران با عادت ماهیانه بالغ می‌شوند و از سوی دیگر، در صورت فقدان علائم جسمی، ملاک بلوغ، سن کودک است. نکته قابل توجه در این دیدگاه این است که نشانه‌های بلوغ از سن دوازده سالگی برای پسران و نه سالگی برای دختران آغاز و بلوغ کامل در هجده سالگی برای پسران و هفده سالگی برای دختران تحقق پیدا می‌کند. (مرغینانی، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۳) در برابر، فقهای همچون محمد و ابویوسف، با یکسان انگاری سن بلوغ در دختر و پسر، پانزده سالگی را معیار تحقق بلوغ برای هر دو دانسته‌اند (بابرتی، ۱۴۱۸: ۲۷۰/۹؛ سغدی، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۱) و براساس شواهد موجود، برخی از فقهای مسلمان به صراحت از یکسان بودن معیار بلوغ در عبادات و غیرعبادات دفاع کرده‌اند؛ عسقلانی مدعی اجماع فقها بر تأثیر احتلام در همه احکام شرعی است.^۲ (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۲: ۲۷۷/۵) گرچه این دیدگاه دوم مورد پذیرش سایر فقهای حنفی قرار نگرفته و در کشورهای حنفی مذهب از جمله کشور مصر که موضوع تطبیق مقاله حاضر با قوانین کیفری ایران است، نیز به آن عمل نشده است ولی همچنان باعث تشتت رویه و نظرات فقهی در این باب شده است.

۱-۳- معیار تعیین سن مسئولیت کیفری کودک از منظر اسناد بین‌المللی

کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، به عنوان مهمترین سند هنجارساز در زمینه حقوق کودکان (نیازپور، ۱۳۹۱: ۱۸۷) مجموعه‌ای از حقوق را در زمینه‌های مختلف برای کودکان به رسمیت شناخته و به موازات آن، تکالیفی را نسبت به این گروه سنی^۳، بر کشورهای عضو تحمیل کرده است که برخی از آن‌ها ارتباط مستقیم با نظام عدالت کیفری دارند.

به موجب بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌های عضو تشویق به تعیین حداقل سنی شده‌اند که اطفال دارای سن کمتر از آن، فاقد اهلیت ارتکاب جرم محسوب می‌شوند.^۴ در مورد اینکه مناسبترین سن به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری چیست، بحث‌ها و اختلاف نظرهای فراوانی در فرآیند تدوین کنوانسیون وجود داشت که نهایتاً باعث شد که تعیین حداقل سن

۱. وَكَلَّا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ تَبْلُغَ أَشُدَّهُ؛ و به مال یتیم جز به نحوی هرچه نیکوتر نزدیک نشوید تا به حد رشد خود برسد.

۲. کلام معرف ایشان این است: أجمع العلماء على أن الاحتلام في الرجال والنساء يلزم به العبادات والحدود و سائر الأحكام

۳. که طبق تعریف ماده ۱ کنوانسیون، منظور کلیه افراد زیر سن هجده سال است

۴. برای ملاحظه شرح نسبتاً کاملی از حدود انطباق ضوابط نظام عدالت کیفری اطفال بزهکار در ایران با کنوانسیون حقوق کودک، نگاه کنید به: موسوی بجنوری، سید محمد؛ و جعفری دولابی، منا، مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با

کنوانسیون حقوق کودک، فصلنامه الهیات، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۹، صص ۱۱۲-۱۱۴.

مسئولیت کیفری در کنوانسیون امکانپذیر نگردد؛ اما کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، که نهاد ناظر بر اجرای این کنوانسیون در کشورهای عضو است، در اعلامیه توضیحی عمومی شماره ۱۰ سال ۲۰۰۷ خود چنین نتیجه‌گیری کرده است که حداقل سن مسئولیت کیفری کمتر از ۱۲ سال، از نظر بین‌المللی قابل پذیرش نیست. در عین حال قویاً توصیه می‌کند که حداقل سن مسئولیت کیفری بیش از این و بین سنین ۱۴ تا ۱۶ سال قرار داده شود (گزارش کمیته حقوق اطفال سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷: ۱۱).

۲ - مراحل تکوین سنی موجد مسئولیت کیفری در نظام کیفری ایران و مصر

رابطه سن با مسئولیت کیفری در سه مرحله مطرح می‌شود که عبارت‌اند از عدم مسئولیت مطلق، مسئولیت نقصان یافته و مسئولیت تام^۱ که هر یک را در ذیل مورد کاوش قرار می‌دهیم.

۲ - ۱ - سن مسئولیت کیفری

در کشور مصر تقسیم‌بندی جرائم بر حسب شدت آن‌ها در سه دسته جنایت، جنحه و خلاف قرار دارد، لذا در تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری تفاوتی بین نوع جرم ارتكابی (تعزیر، حدود و قصاص) و همچنین تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد؛ بنابراین ماده ۹۴ (۸) از باب هشتم قانون حقوق کودک مصر حداقل سن مسئولیت کیفری را ۱۲ سالگی قرار داده است، در نظام تقنینی مصر اطفال تا سن ۱۵ سال تمام فاقد مسئولیت کیفری هستند که این گروه به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند کودکان تا هفت سال به دلیل عدم تمیز، فاقد مسئولیت کیفری مطلق هستند و اطفال ۷ تا ۱۵ سال مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی قرار می‌گیرند. همچنین با توجه به ماده ۱۰۱ قانون حقوق کودک مصر چنین مستفاد می‌شود که اقدامات اتخاذ شده برای افراد تا سن ۱۲ سال از نوع حمایتی هستند و فاقد جنبه کیفری و تأمینی می‌باشند، لذا حداقل سن مسئولیت کیفری در مصر مشابه جرائم تعزیری در ایران ۱۲ سال تمام میلادی است، خواه جرم ارتكابی جنحه باشد یا جنایت. با این توضیح حداقل سن مسئولیت کیفری اشخاص به موجب قانون مجازات هر کشور، مسئله‌ای مربوط به نظم عمومی آن کشور می‌باشد. لذا با توجه به پیچیدگی‌هایی که نظام‌های حقوق کیفری در باب قابلیت انتساب عملکرد مجرمانه به اطفال و در نتیجه مسئولیت کیفری دارند در این مورد قاعده یکنواختی وجود ندارد (کریانگ ساک کیتی چایساری، ۱۳۹۲: ۳۲۴).

مفاد مقرر در کنوانسیون حقوق کودک که برای کشورهای عضو، از جمله ایران و مصر لازم‌الاتباع است، اصول حاکم بر واکنش‌های کیفری، تدابیر و تصمیمات قابل اتخاذ علیه کودکان و نوجوانان

۱. در قانون مجازات امپراطوری عثمانی ۱۸۴۰ م؛ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۹۱۵ م که بر مذهب حنفی مبتنی بود در ماده

۴۰ قانون مذکور، عفو یا تخفیف مجازات کودکان صغیر و تقسیم طفولیت به سه دوره و تعیین مسئولیت کیفری هر دوره مورد

صراحت قرار گرفته بود. (مقدم، ۲۰۱۳: ۵۴)

را در نظر گرفته است. از جمله ممنوعیت محکومیت کودکان و نوجوانان به اعدام، حبس ابد و حبس‌های طولانی مدت که در بند الف ماده ۳۷ و همچنین احتراز از شکنجه، توهین و رفتارهای غیرانسانی موقع اجرای تصمیمات و واکنش‌ها که به موجب بند الف و ج ماده سابق‌الذکر تضمین شده است. ماده ۹۴ قانون حقوق کودک مصر مصوب ۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۰۸ میلادی حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین کرده است و طفل کمتر از هفت سال را مبرا از مسئولیت کیفری حتی مسئولیت کیفری ناقص (نقصان یافته) می‌داند. طبق این ماده، طفل زیر هفت سال به هر دلیل وارد چرخه قضائی نمی‌شود. این موضع قانونگذار با این انتقاد جدی روبرو گشت که ممکن است کودکان زیر هفت سال به علل مختلف مرتکب رفتار مجرمانه شوند که حاکی از نیاز آن‌ها به حمایت و اصلاح پیرو در معرض خطر بودن آن‌هاست، در این صورت مقامات برای حمایت و اصلاح این طفل می‌خواهند وارد عمل شوند ولی با مانع قانونی روبرو می‌شدند. قانونگذار مصر در سال ۲۰۰۸ ضمن اصلاح سن حداقل مسئولیت کیفری، به دوازده سال به این چالش مهم توجه نکرده و باز هم موضع سابق خود را تکرار کرد و سن حداقل مسئولیت کیفری را دوازده سال با امکان دخالت غیر کیفری در مورد کودکان هفت تا دوازده سالی که مرتکب رفتار مجرمانه شوند، تغییر داد؛ یعنی کودکان زیر هفت سال به هر حال مورد توجه حمایت قانون قرار نگرفته‌اند.

در حقوق ایران بنا به تصریح ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.م.ا. سن مسئولیت کیفری برای دختران زیر نه سال و پسران زیر پانزده سال در نظر گرفته شده است؛ لکن در سطور بعدی می‌بینیم که این قاعده، به نحوی که از ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در جرائم تعزیری و تبصره ۲ آن در جرائم حدود و قصاص می‌توان استنباط کرد، نقض شده است. با توجه به سیاق ماده ۸۸ قانون مذکور، حداقل سن مسئولیت کیفری در جرائم تعزیری ۹ سال تمام شمسی است. در جرائم حدود و قصاص با توجه به سیاق تبصره ۲ ماده ۸۸ نمی‌توان سن حداقل مسئولیت کیفری را معین و محدود ساخت زیرا منظور از عبارت «در غیر این صورت» اشاره به فرضی است که نابالغ مرتکب جرم، کمتر از دوازده سال سن داشته باشد، بدون آنکه حداقل سنی برای این نوع واکنش‌ها در نظر گرفته شده باشد. به این ترتیب، کودک دختر که به سن نه سال تمام نرسیده است، در صورت ارتکاب جرائم تعزیری، مطلقاً موضوع واکنش دستگاه عدالت کیفری قرار نمی‌گیرد و حتی تدابیر اصلاحی و مراقبتی نیز در مورد وی پیش‌بینی نشده است. اما در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص توسط وی، امکان اعمال واکنش‌های تربیتی و مراقبتی مذکور در بندهای (الف) تا (پ) ماده ۸۸ در مورد وی وجود دارد. (صبری و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۰)

با توجه به اینکه بند الف بخش ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک صراحتاً کشورهای اعضا را مکلف کرده است که برای کودکان حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین کنند موضع قانونگذار مصر که به این تکلیف عمل نموده است مطابق با اصول بین‌المللی است و قانونگذار ایرانی که نه

تنها حداقل سن مسئولیت کیفری را صراحتاً معین نکرده است بلکه رویکرد واحدی هم از لحاظ نوع جرم و هم از لحاظ جنسیت مرتکب اتخاذ نکرده است، (حسینی آهق و خانی، ۱۳۹۵: ۵۰) لذا فاقد تطابق لازم با مقررات بین‌المللی است که در نتیجه استانداردهای بین‌المللی را از دست خواهد داد.

شایان ذکر است که با مشخص شدن حداقل سن مسئولیت کیفری، راه تشخیص سن عدم مسئولیت مطلق هموار می‌گردد. لذا با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که در مقررات کشور مصر حداقل سن عدم مسئولیت مطلق هفت سال است هر چند که ماده ۹۴ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که افراد زیر دوازده سال مسئولیت کیفری ندارند چون همین ماده مجوز دخالت سیاست‌گذاران جنایی در امور افراد بین هفت تا دوازده سال را صادر کرده است و این بدین معنا است که افراد هفت تا دوازده سال وارد چرخه قضائی می‌شوند هر چند که آیین دادرسی کیفری افتراقی در این حوزه، تدابیر حمایتی از اطفال را تضمین خواهد کرد؛ اما در حقوق ایران باید بین جرائم حدود و قصاص مستوجب قصاص و تعزیری قائل به تفکیک شد به این نحو که در جرائم تعزیری زیر نه سال سن عدم مسئولیت مطلق است ولی در جرائم حدی و جنایات مستوجب قصاص فعلاً سن عدم مسئولیت مطلق مورد توجه قرار نگرفته است.

۲-۲- سن مسئولیت نقصان یافته

دادگاه باید هنگام تعیین مجازات‌ها برای کودکان و نوجوانان بزهکار به مشخصه‌های جسمی و روانی آن‌ها توجه شایانی داشته باشد تا کیفرها بیشترین کارآیی خود را داشته باشند. انسانی هنگام تولد هم دارای قوای جسمانی و هم دارای ضعف قوای عقلی می‌باشد. هر اندازه اعضاء جسمانی او تکامل بیشتری پیدا کند، بر قوه ادراک او نیز افزوده می‌شود. به بیان دیگر، به قدرت و توانایی تمیز و درک مناسب می‌رسد. قوه تمیز را نیز قضاوت و ارزیابی امور و تفکیک میان خیر و شر یا مفید و مضر تعریف کرده‌اند. به همین دلیل قانون مجازات اسلامی از حیث ارتکاب جرائمی که مجازات آن‌ها از نوع تعزیری است، کودک نابالغ را به موجب ماده ۱۴۶ اساساً فاقد قدرت و توانایی درک و تمیز بین خوب و بد می‌داند و به هیچ‌وجه برای او مسئولیت کیفری قائل نشده است. در مورد کودک نابالغ ممیز نیز در ماده ۱۴۸ درجاتی از تمیز و درک خوب و بد قائل شده‌اند در نتیجه مراتبی از مسئولیت ناقص برای وی در نظر گرفته شده است. (آقایی جنت‌مکان،

۲-۳- سن مسئولیت نام

همه کشورها این اصل را پذیرفته‌اند که انسان تا قبل از رسیدن به یک سن معین، قابلیت برای سرزنش‌پذیری و نیز تحمل مجازات بر مبنای آثار فایده‌گرایانه ندارد. سنی که فرد پس از ورود به آن قابل مجازات خواهد شد به معنای آن است که «فرد را دارای آن حد از توانایی ذهنی و ادراکی دانست که بتوان جرم ارتكابی را به او منتسب و نتایج آن را متوجه وی کرد».

(صبوری و علوی صدر، پیشین) در این زمینه حقوق ایران، یک موضع دقیق اتخاذ کرده است به این نحو که برای تعیین واکنش مناسب که بتوان نوعی نتایج فایده‌گرایانه از آن به دست داد، فاکتورهایی مانند نوع جرم و سن بزهکار را مورد توجه قرار داده و با این رویکرد تقنینی کوشیده است در کنار حفظ مقررات شرعی حاکم بر قضیه، نگاهی به مقررات بین‌المللی در این عرصه نیز داشته باشد.^۱ ماده یک کنوانسیون حقوق کودک معیار سنی برای تعیین دوره طفولیت را ۱۸ سالگی^۲ به حساب آورده است. معیار سنی مسئولیت کیفری را در مواد مختلف از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از جمله مواد ۸۸ و ۸۹ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و در خصوص جرائم حدی ماده ۹۱ همان قانون می‌توان به صراحت مشاهده نمود. در مورد جرائم تعزیری آنچه از مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ استنباط می‌شود این است که ۱۸ سالگی معیار و ملاک تمییز کودکی از بزرگسالی و به عبارتی سن مسئولیت کیفری تام است. به این نحو که تا پیش از این سن، عملکرد شخص به عنوان قرار گرفتن در مرحله کودکی غیرقابل مجازات است و بعد از آن نیز وارد مرحله بزرگسالی شده و قابلیت مجازات می‌یابد. ولی در خصوص جرائم حدی آنچه از ماده ۹۱ قانون مذکور استنباط می‌شود این است که ۱۵ سالگی در اصل معیار و ملاک تحمیل مجازات و مسئولیت کیفری است مگر با تحقق شرایطی که در صورت احراز، سن ۱۸ سالگی ملاک قرار خواهد گرفت. در مقررات کشور مصر به موجب مواد ۹۵ و ۱۱۱ قانون حقوق کودک، مسئولیت کیفری تام پس از رسیدن به سن هجده سال تمام میلادی تحقق می‌یابد و تا قبل از آن سیاق مسئولیت کیفری نقصان یافته اتخاذ شده است.

۲-۴- تبیین نقش معیار جنسیت در واکنش و کیفردهی

۱. البته شرع مقدس اسلام بر سن معین برای بلوغ و در نتیجه مسئولیت کیفری تصریح و الزام نکرده است و این امر را به نظرات فقها موکول نموده تا نظری مطابق با زمان و مکان داشته باشند همانطور که امام خمینی می‌فرماید «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند» (خمینی بی‌تا: ۲۱/ ۱۸۱)

۲. این سن در ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز به این نحو آمده است. «طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده» و «نوجوان: هر فرد زیر ۱۸ سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است» مشمول این قانون می‌باشند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم تعزیری^۱ تفکیکی بین دختر و پسر قائل نشده است. ولی در جرائم مستوجب حد یا قصاص^۲، جنسیت نقش خود را ایفاء می‌کند و به صراحت می‌توان نگاه تبعیض آمیز قانونگذار ایرانی در این موضع‌گیری را مشاهده نمود. با این توضیح که مرتکبان جرائم تعزیری که سن آن‌ها کمتر از هجده سال است، یک سیاست واکنشی پیش رو دارند. در این زمینه تفاوتی میان دختر شانزده ساله و پسر هفده ساله وجود ندارد و همه مشمول تدابیر و اقدامات تأمینی می‌شوند. ولی در جرائم مستوجب حد و قصاص، واکنش به بزهکاری آن‌ها با توجه به سن بلوغ آنان که تحت تأثیر جنسیت مشخص می‌شود، اتخاذ می‌گردد. (سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۲۸) با این توضیح دختر ده ساله‌ای که مرتکب جرم حدی شود مشمول ماده ۹۱ شده و در نتیجه می‌توان مسئولیت تام بر وی بار کرد، در حالی که اگر مرتکب همین جرم پسر کمتر از پانزده سال باشد، فقط به دلیل جنسیت مذکر که سن بلوغش بعد از پانزده سالگی است مشمول این واکنش نمی‌شود بلکه همچنان واکنش تأمینی در قبال او اتخاذ می‌گردد. لذا انتقادی که به سیاست‌گذار جنایی ایران وارد می‌شود این است که از حیث تمایز و تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر، موضوع تحمیل مجازات و مسئولیت کیفری نابرابر مسئله‌ای خواهد شد که نتوان به تضمین حقوق برابر انسان‌ها و رسالت سیاست جنایی در حمایت حداکثری از آن‌ها اشاره کرد.

در مقررات کیفری کشور مصر تفکیک جنسیتی مشاهده نمی‌شود. واکنش به همه جرائم چه جرائم مستوجب حد و قصاص و چه جرائم تعزیری بدون توجه به جنسیت مرتکب تعیین می‌شود.^۳ مثلاً ماده ۹۴ قانون حقوق کودک مصر بدون تفکیک و به طور عام و مطلق اشعار می‌دارد: «مسئولیت کیفری کودکی که هنگام ارتکاب جرم [سن او] از دوازده سال تمام میلادی تجاوز نکند منتفی است». در این ماده تفکیکی بین پسر و دختر مشاهده نمی‌گردد؛ همچنین ماده ۱۰۱ قانون حقوق کودک به عنوان مقرره‌ای که حاوی تمام واکنش‌های قابل اتخاذ در قبال بزهکاری کودکان می‌باشد بدون تفکیک جنسیتی تصریح می‌دارد «طفلی که سنش از پانزده سال تمام میلادی تجاوز نکرده است، اگر مرتکب جرم شود به یکی از تدابیر ذیل محکوم می‌شود: ...»

موضع قانونگذار مصر تطابق بیشتری با اصول حاکم بر کیفرشناسی و پاسخ‌دهی و مقررات بین‌المللی^۴ دارد. چون که کیفردهی و واکنش در مواجهه با متغیرهایی از قبیل جنسیت باید بی‌طرف

۱. مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا.

۲. ماده ۹۱ ق.م.ا.

۳. این رویکرد با مقررات بین‌المللی و اصول اساسی آن هم‌نواپی بیشتری دارد. (Rayejian Asli, Mehrdad. 2013.)

۴. ماده ۲ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ و ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک.

باشد. (غلامی، ۱۳۹۵: ۵۴) لذا به نظر می‌رسد این شیوه قانونگذاری و نداشتن دیدگاهی تبعیض‌آمیز بین مجرمین دختر و پسر بیشتر به اجرای عدالت قضایی نزدیک است.

۳- تبیین جرم شناختی کنترل جرم و واکنش کیفری به جرائم اطفال

از جمله نکات مهمی که باید به آن توجه کرد این است که قانونگذار مصر، ملاک تعیین سن مسئولیت کیفری را تقویم میلادی قرار داده است حال آنکه قانونگذار ایران، ملاک تعیین مسئولیت کیفری را بر مبنای تقویم هجری قمری در نظر گرفته است. با توجه به اینکه جرم‌انگاری رفتارها و به طور اولی عنوان‌گزینی آن‌ها تعیین‌کننده خط‌مشی افراد است، باید در جرم‌انگاری و هم در گزینش عناوین برای رفتارهای مجرمانه به این موضوع توجه کافی شود که مبدا سیاست‌های جرم‌انگاری خود مانعی در راستای عدالت باشد. این مسئله در حوزه حقوق کیفری اطفال از اهمیت والایی برخوردار است زیرا دوران کودکی از مهمترین مراحل رشد انسان هست و در این دوران است که مباحث بنیادین پیرامون شکل‌دهی به شخصیت و جامعه‌پذیری اطفال مطرح می‌گردند.

۳- ۱- انواع مسئولیت کیفری

مسئولیت تدریجی یا نقصان یافته می‌تواند دو جلوه داشته باشد. شیوه اول این است که با کاهش میزان مسئولیت و تغییر ماهیت آن از واکنش مربوطه را از مجازات به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل کنیم. همان‌طور که قانونگذار ایرانی در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی این رویکرد را پیش گرفته است. هم مدت را تقلیل^۱ و هم ماهیت^۲ را تبدیل نموده است. شیوه دوم این است که فقط مدت و استمرار مجازات تقلیل داده شود بدون اینکه ماهیت آن تبدیل گردد. همان‌طور که قانونگذار مصر در ماده ۱۱۱ قانون حقوق کودک در بعضی مواقع مجازات نوجوانان بیش از پانزده تا هجده سال را همان حبس در نظر گرفته است ولی نسبت به بزرگسالان مدت کمتری اعمال شده است.

۱. مثلا در بند ۸ ماده ۸۸ ق.م.ا مدت نگهداری در کانون سه ماه تا یک سال را به جای حبس درجه یک تا پنج (بیش از دو سال که شامل بیست و پنج سال و بالاتر می‌شود) اتخاذ کرده است؛ یعنی هم ماهیت حبس را به نگهداری در کانون تبدیل و هم مدت را تقلیل داده است.

۲. هر چند که قانونگذار در ماده ۸۹ از واژه "مجازات" و در ماده ۸۸ از واژه "تصمیمات" استفاده کرده است منظور در هر دو ماده واکنش از نوع مجازات نیست بلکه اقدامات تأمینی تربیتی است.

۳- ۲- موضع قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اطفال، بدون آنکه تفاوتی از حیث جنسیت وجود داشته باشد، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه‌های سنی مختلف اطفال، واکنش‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است (صبوری و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۲). مسئولیت تدریجی به این معنی است که همگام با تحولات جسمی، روانی و عقلی طفل بزهکار واکنش‌های مناسبی اتخاذ شود، (عباسی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۳۲) تا اینکه به سن مسئولیت تام برسد. در مواد ۸۸ و ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت شاهد این مفهوم هستیم. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای هر بازه سنی واکنش‌های خاص اتخاذ شده است که در ماده ۸۸ آن تحت عنوان «تصمیمات» و در ماده ۸۹ تحت عنوان «مجازات» مورد تصریح قرار گرفته‌اند. در این دو ماده در جرائم تعزیری شاهد سه مرحله هستیم. نخست بازه سنی ۹ تا ۱۲ سال و بازه سنی کمتر از ۹ سال در جرائم تعزیری به دلیل عدم مسئولیت مطلق به عنوان بازه سنی مستقلی که مشمول فرآیند مسئولیت تدریجی باشد، ذکر نمی‌شود. چون «کودکی که کمتر از ۹ سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچگونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری، حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی، قرار گیرد». (صبوری و علوی صدر، پیشین: ۱۲) پس در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی واکنش‌های متفاوتی برای این مرحله از سن در نظر گرفته شده است. تبصره ماده مذکور این بازه سنی را از محکومیت به تصمیمات مذکور در بندهای "ت" و "ث" معاف کرده است. ساختار این رویکرد حمایتی محض بودن این واکنش‌ها را نمایان می‌سازد.

در حقوق مصر واکنش‌های حمایتی محض به بازه سنی هفت تا دوازده سال مربوط می‌شود. ماده ۹۴ تصریح می‌دارد «با این وجود اگر سن کودک بیش از هفت سال باشد و از دوازده سال تمام میلادی تجاوز نکند و مرتکب رفتاری شود که جنایت یا جنحه را تشکیل دهد، دادگاه کودکان و نه غیر آن رسیدگی را بر عهده می‌گیرد و می‌تواند تدابیر مورد تصریح در بندهای ۱، ۲، ۷ و ۸ ماده ۱۰۱ این قانون که شامل توبیخ، تسلیم، قرار دادن در یکی از بیمارستان‌های ویژه و سپردن به یکی از موسسه‌های اجتماعی می‌شود را مورد حکم قرار دهد».

دومین گروه سنی مشخص در قانون مجازات اسلامی بازه سنی ۱۲ تا ۱۵ می‌باشد و همچنین واکنش‌های مربوط به این بازه سنی مشمول ماده ۸۸ قانون مذکور است. در وهله نخست همه تصمیمات مذکور در ماده ۸۸ در واکنش به بزهکاری کودکان شامل این بازه زمانی می‌شوند، قابل اجراست؛ و در گام بعد برخی از این تصمیمات و به طور مشخص، اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، مختص این بازه زمانی است که بنا به تصریح تبصره یک ماده فوق فقط کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال به آن‌ها محکوم می‌شوند؛ و گاهی

محکوم کردن آن‌ها به تصمیم خاص، به طور مشخص نگهداری در قانون اصلاح و تربیت، الزامی است که در تبصره یک ماده مذکور مشروط به ارتکاب جرم تعزیری درجه یک تا پنج شده است. در حقوق مصر با جمع^۱ مواد ۹۴ و ۱۰۱ قانون حقوق کودک به این نتیجه می‌رسیم که به موجب ماده ۹۴ کودکان هفت تا دوازده ساله مشمول چهار بند^۲ کاملاً حمایتی از ماده ۱۰۱ می‌شوند، حال ماده ۱۰۱ اذعان می‌دارد "طفلی که سن او از پانزده سال تجاوز نکند" یعنی بدون اینکه حداقل سن را تعیین نمایند حداکثر میزان سنی این گروه از کودکان بزهکار را معین کرده است در حال با توجه به ماده ۹۴ می‌توان گفت که منظور ماده ۱۰۱ کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال است؛ که مشمول واکنش‌های خاص و ویژه خود می‌شوند. پس در حقوق مصر گروه دوم از گروه‌های مسئولیت تدریجی کودکان دوازده تا پانزده سال است.

سومین گروه سنی که مورد توجه قانون مجازات اسلامی در باب اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد مربوط به بازه سنی ۱۵-۱۸ است. فلسفه وضع ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی تعیین واکنش‌های مناسب برای این بازه زمانی است. مسئولیت تدریجی این گروه از کودکان (نوجوانان) بزهکار به نحوی است که به دلیل رشد نسبی جسمی، روانی و عقلی به مسئولیت تام بسیار نزدیک است، چون که آخرین مرحله تدریجی است و نوجوان به محض خروج از آن مستقیماً وارد مرحله بزرگسالی می‌شود که مستوجب مسئولیت تام است. در حقوق مصر کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال بنا به تصریح ماده ۱۱۱ قانون حقوق کودک نیز مشمول مسئولیت تدریجی می‌شوند. ولی این نوع واکنش‌ها اصولاً مجازات‌گرا هستند و نه حمایتی. ماده ۱۱۱ برای این بازه سنی واکنش‌های متعددی در نظر گرفته است که با توجه به شدت جرم ارتكابی انتخاب می‌شوند.

۳-۳- واکنش‌های کیفری و چگونگی اجرای آن

قانونگذار ایران طبق ماده ۸۸ ق.م.ا در قبال بزهکاری کودکان شش واکنش اعم از تسلیم به والدین، تسلیم به اشخاص دیگر، نصیحت توسط قاضی، اخطار و تذکر، اخذ تعهد به عدم تکرار و نگهداری در قانون اصلاح و تربیت اتخاذ کرده است. با توجه به اینکه حقوق کیفری برای پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان بزهکار، هدف‌های متعددی را دنبال می‌کند. یکی از مهمترین آن‌ها، توانگیری است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۹)؛ در قبال بزهکاری نوجوانان وفق ماده ۸۹ قانون فوق‌الذکر سه واکنش اعم از نگهداری در قانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان مقرر گردیده است. البته در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص توسط

۱. الجمع مهما امکن اولی من الطرح.

۲. بندهای (۱ و ۲، ۷ و ۸)

افراد بالغ زیر هجده سال با تحقق شرایط مذکور در ماده ۹۱ قانون مذکور مجازات حدی از قبیل شلاق، تبعید، حبس و غیره یا قصاص قابلیت اجرایی پیدا می‌کند. (معظمی، ۱۳۹۴: ۱۳۹)

قانونگذار مصر واکنش‌های کیفری در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار تا پانزده سال را در ماده ۱۰۱ قانون حقوق کودک در قالب‌های توبیخ، تسلیم، الحاق به مراکز آموزشی و حرفه‌آموزی، الزام به تکلیف معین، آزمون قضائی^۱، کار عام‌المنفعه، سپردن به یکی از بیمارستان‌های ویژه و سپردن به یکی از مؤسسات سرپرستی اجتماعی^۲ مقرر نموده است. واکنش نسبت به نوجوانان و جوانان بالای پانزده سال تا هجده سال را در ماده ۱۱۱ همان قانون در قالب مجازات حبس، دوره مراقبت، کار عام‌المنفعه، سپردن به مؤسسات سرپرستی اجتماعی پیش‌بینی کرده است. محکومیت افراد زیر هجده سال به اعدام، حبس ابد و حبس مشدد بنا به تصریح ماده مذکور و جزای نقدی با استناد به مواد ۱۰۱ و ۱۱۱ قانون اخیرالذکر ممنوع است حتی اگر جرم حدی یا مستوجب قصاص باشد.

با امعان نظر در مقررات بین‌المللی و اصول حاکم بر کیفرشناسی آموزه‌ای مدرن و نیز نظام پاسخگویی مطلوب و هدفمند، چنین حاصل می‌آید که سیاست‌گذاری جنایی در حوزه بزهکاری اطفال در نظام کیفری مصر از حیث تنوع و گستردگی اهرم‌های مورد اعمال و نیز از حیث اهداف بازپرورانه، نه گرایش سزادهی، با مقررات مذکور هم‌نوایی بیشتری دارد. چرا که هدف بازپروری و تمرکز بر شیوه‌های بازپذیرندگی اجتماعی، می‌تواند جلوه‌گر نوعی عدالت کرامت‌مدار باشد که از منظر تبیین و مداخله حق‌های بنیادی بشری و فلسفه کیفر می‌تواند راهگشا باشد. (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۸۹ و ۲۰۳)

۳-۳-۱ - اعدام کودکان و نوجوانان

مجازات‌های سالب حیات پیشینه‌ای دیرینه دارند. هدف این دسته از مجازات‌ها سلب حیات مجرمان می‌باشد که به پاک کردن جامعه از لوث وجود مجرمان خطرناک می‌انجامد. در حال حاضر، مصادیق مجازات‌های سالب حیات در حقوق ایران با مفاهیمی چون اعدام، قصاص، به دار آویختن (صلب)، رجم شناسایی می‌شوند. (آقایی جنت‌مکان، ۴/۶۶۱۳۹۴: b) رویکرد اسناد بین‌المللی به ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی که الزام‌آور است و برخلاف کنوانسیون حقوق کودک، دولت ایران بدون حق شرط^۳ به آن پیوسته است، بر عدم تجویز اعدام^۴ افراد زیر هجده

۱. دوره مراقبت

۲. مؤسسات مراقبت اجتماعی.

۳. «Reservation برای اطلاعات بیشتر نک به: (الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

۴. سلب حیات چه به صورت اعدام و چه تحت عنوان قصاص.

سال تأکید دارد.^۱ قانونگذار ایرانی در سال ۱۳۹۲ در جریان تصویب قانون مجازات اسلامی، در نتیجه تبعیت از رویکردهای بین‌المللی پیرامون جلوگیری از اعدام افراد زیر ۱۸ سال، ماده ۹۱ را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قرار داد. ولی با این وجود «می‌توان گفت ماده ۹۱ راه‌حل دائمی برای این مشکل اساسی ارائه ننموده است.» (هاشمی، پیشین: ۶۰). اعدام کودکان در مقررات کشور مصر تا قبل از رسیدن به سن هجده سال طبق ماده ۷۲ قانون عقوبات مصوب ۱۹۳۷ ممنوع بوده است. (حسینی آهق و خانی، پیشین: ۵۲) این ماده با تصویب قانون حقوق کودک در سال ۱۹۷۴ م منسوخ گردید. طبق ماده ۱۱۱ قانون اخیر اعدام کودکان زیر هجده سال ممنوع است.

۳-۳-۲- جزای نقدی

«جزای نقدی» که گاهی با عناوین و واژگانی نظیر «غرامت»، «مجازات نقدی»، «جریمه نقدی» و سایر اصطلاحاتی که در قوانین مختلف کیفری به کار گرفته، از آن یاد می‌شود به عنوان یک مجازات تعزیری شناخته می‌شود و در بین مجازات‌های شرعی ناشناخته است. (آقایی جنت‌مکان، پیشین: ۱۴۷). با توجه به سن محکوم و عدم رشد او به نظر می‌رسد که محکومیت اطفال به جزای نقدی محل تأمل باشد. مبانی تئوریک جرم‌شناختی و نیز مفاهیم اصلی کیفرشناسی در راستای توجه به مجازات جزای نقدی، همواره حاوی این پیام اساسی بوده است که محکومیت اطفال به پرداخت جزای نقدی از منظر عدم توانایی و ملائت آنان، نتواند رسالت اصلی خود را به ظهور برساند و نیز با توجه به روند معمول قضیه در پرداخت آن توسط عاقله یا ولی طفل، میزان بازدارندگی و تأثیر تربیتی آن بر طفل نمی‌تواند آنچنان که انتظار می‌رود لحاظ گردد (سرخه، ۱۳۹۶: ۱۸) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی را به عنوان پاسخ به بزهکاری کودکان پیش‌بینی نکرده است حال آنکه در ماده ۸۹ قانون مذکور به این مجازات اشاره شده است. (همان: ۹). در قوانین کیفری کشور مصر، محکومیت کودکان و نوجوانان به جزای نقدی به صراحت منع نشده است. ولی با امعان نظر در مواد ۱۰۱ و ۱۱۱ قانون حقوق کودک مصر، جزای نقدی پیش‌بینی نشده است. لذا در واکنش به بزهکاری کودکان و نوجوانان نمی‌توان محکومیت به جزای نقدی را مورد حکم قرارداد.

۳-۳-۳- لزوم اجرا همراه با قابلیت اعتراض

اجرای آرای محاکم کیفری به موجب قانون زمانی امکانپذیر است که در مرحله تجدیدنظر یا فرجام نهایی شده یا مهلت‌های قانونی به عنوان حق اعتراض منقضی گردیده باشد؛ اما در بعضی مواقع به دلیل در نظر گرفتن منافع و مصالح جامعه، شاکی و یا محکوم قانونگذار بر این اصل

۱. بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک و بخش سوم ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۲)

استثنائاتی را وارد نموده است، (عبدالمنعم، ۲۰۰۶: ۹۶۰) از جمله این موارد آراء صادره علیه کودکان است. با التفات به اینکه پاسخ‌های اتخاذ شده در قبال بزهکاری کودکان و نوجوانان اکثراً حمایتی، تربیتی و اصلاحی هستند (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۳۵) قانونگذار مصر با حفظ حق اعتراض و استیناف، اجرای فوری آن به محض صدور حکم محکومیت را لازم دانسته است. ماده ۱۳۰ قانون حقوق کودک مصر در این زمینه تصریح می‌دارد «صدور حکم محکومیت طفل به تدابیر، لازم‌الاجراست حتی اگر قابل اعتراض باشد».

قانونگذار ایرانی به این امر مهم توجهی ننموده است و همان قواعد عمومی اعتراض و قابلیت اجرای آراء پس از اتمام مهلت اعتراض، در خصوص کودکان را جاری و ساری می‌داند. ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام حمایت کیفری شکلی از کودکان بزهکار، (رحیمی و رحیمی دهنسوری، ۱۳۹۶: ۴۳۱) تمام آراء صادره از دادگاه‌های کودکان و نوجوانان را قابل اعتراض دانسته است. این موضع پسندیده است ولی چه بهتر اگر به لزوم اجرای آراء مذکور و حداقل حکم محکومیت به تدابیر حمایتی، اصلاحی و تربیتی را به محض صدور لازم‌الاجرا می‌دانست و در قانون به آن تصریح می‌کرد.

۳-۳-۴ - مرجع اجرای تصمیمات

عدالت کیفری به دنبال بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار است. (نیازپور، پیشین: ۲۰۶) از این رو فضای حقوقی مصر آن را "عدالت دوست کودک" می‌نامد. این امر تداعی می‌کند که تمام مراحل عدالت کیفری کودکان و نوجوانان مشمول اصل افتراقی شدن دادرسی کودکان شود. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۴۵) قانونگذار ایرانی تا مرحله رسیدگی و صدور رأی در خصوص کودکان و نوجوانان، دادرسی آنان را افتراقی اتخاذ کرده است؛ لکن مابعد آن یعنی مرحله اجرای آراء طبق قواعد عمومی ساری و جاری است. به عبارتی رساتر که کانون این قسمت را تشکیل می‌دهد، قاضی اجرای آراء صادره از دادگاه‌های کودکان و نوجوانان، همان قاضی اجرای احکام دادگاه‌های عمومی است. چون که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی اجرای آراء مستقل و مجزا برای اجرای آراء صادره از مراجع مذکور تعیین نکرده است؛ بدین سان کودکان و نوجوانان جهت اجرای آراء صادره در خصوص آنان باید نزد قاضی اجرای احکام کیفری در دادرسی عمومی حضور پیدا کنند. این در حالی است که قانونگذار مصر به موجب ماده ۱۳۵ قانون حقوق کودک مصر، اجرای تمام تدابیر اتخاذ شده در مورد کودکان و نوجوانان به غیر از توبیخ، تحت نظارت مددکار اجتماعی اجرا می‌شود و به نحوی مرجع اجرای آراء صادره در مورد کودکان و نوجوانان مددکار اجتماعی است تا حدی که به موجب ماده مذکور مکلف شده است

که گزارش‌های دوره‌ای از اوضاع محکوم‌علیه تهیه و به دادگاه صادرکننده رأی (دادگاه اطفال) تقدیم کند.

۳-۳-۵- پایان بخشی به تدابیر و واکنش‌ها با بلوغ سنی

قانونگذار مصر در ماده ۱۱۰ قانون حقوق کودک زمانی برای پایان بخشیدن به تدابیر اتخاذشده در مورد کودکان و نوجوانان در نظر گرفته است به نحوی که اگر کودک یا نوجوان محکوم به یکی از تدابیر منصوص در قانون مذکور، به سن ۲۱ سالگی برسد اجرای تدابیر متوقف شده و محکوم‌علیه آزاد می‌گردد. این یک نوع مرور زمان و یا به تعبیر دیگر سبب معافیت از مجازات و یا یک نوع عفو قانونی است. در حالی که قانونگذار ایران چنین نهاد افتراقی را برای کودکان و نوجوانان در نظر نگرفته است. طبق ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی ایران، مجازات و تدابیر را حتی بعد از سن ۱۸ سالگی قابل اجرا می‌داند و پایانی برای مجازات‌های در نظر گرفته شده منظور نشده است. قانون حقوق کودک مصر در ماده ۱۱۰، زمانی را برای پایان دادن به تدابیر و اقدامات تأمینی به کار رفته شده در خصوص کودکان و نوجوانان در نظر گرفته است. بدین توضیح که اگر کودک یا نوجوانی که تحت یکی از تدابیر مطرح در قانون مذکور به سن ۲۱ سالگی برسد، اجرای آن تدابیر متوقف شده و فرد محکوم آزاد می‌گردد. در حقیقت، نوعی مرور زمان یا به تعبیر دیگر سبب معافیت از کیفر و یا عفو قانون پیش‌بینی شده است.

۳-۴- اجرای احکام کیفری صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان

قانون آیین دادرسی کیفری ایران به موجب مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ در کنار پرونده کیفری محاکماتی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پرونده شخصیت را نیز پیش‌بینی کرده است. (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰: ۹۲) منتهی تمام اقدامات اجرایی واکنش‌ها در پرونده محاکماتی درج می‌شود. به عبارتی کاربرد پرونده شخصیت تا مرحله تعیین کیفر پیش می‌رود و به مرحله اجرا نمی‌رسد. (معظمی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) در کشور مصر نهاد جدیدی تحت عنوان "پرونده اجرا" به موجب ماده ۱۴۲ قانون حقوق کودک پیش‌بینی شده است که پس از مرحله ختم دادرسی تشکیل می‌شود و تمام اقدامات اجرایی در آن درج می‌گردد. ماده مذکور تصریح می‌دارد: «برای هر طفل محکوم یک پرونده اجرا تشکیل می‌شود که پرونده اصلی پیوست آن می‌شود و تمام اوراق مربوط به اجرای حکم صادره علیه او (طفل) در آن قرار داده می‌شود و هر آنچه از قرارها و دستورها و احکام در خصوص اجرای حکم صادر می‌شود در آن درج می‌گردد، این پرونده پیش از اتخاذ هر اقدام از اقدامات منصوص در ماده ۱۳۴ همین قانون به رئیس دادگاه تقدیم می‌گردد.»

در ماده ۱۴۲^۱ فوق‌الذکر به "طفل محکوم" اشاره دارد لذا این پرونده پس از محکومیت تشکیل می‌شود، برخلاف پرونده شخصیت که بنا به تصریح ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مرحله تحقیقات مقدماتی تشکیل می‌گردد. (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰: ۹۳ - نجفی توانا، ۱۳۸۸: ۳۰۱ - محمدیان و محمدرضاپور، ۱۳۹۲: ۳۳۳). نکته جالب توجه اینجاست که بنا به تصریح این ماده، پرونده اصلی پیوست پرونده اجرا می‌شود، این بدان معناست که پرونده اصلی فرعی از فروع پرونده اجرا می‌شود.

تسهیل دسترسی مقام اجرای آراء به اوراق و اسناد مورد نیاز، تضمین تفرید مجازات، ارائه اطلاعاتی که باعث می‌شود تصمیم و تدبیر متناسب با اوضاع محکوم‌علیه اتخاذ گردد، از زمره کاربردهای این نهاد می‌باشد و علاوه بر آن بنا به تصریح ماده فوق‌الذکر قاضی رسیدگی‌کننده در مقام تعدیل نظر و اتخاذ تصمیم مجدد در خصوص کودک محکومی که در مرحله اجرای تصمیمات به سر می‌برد، ملزم است قبل از اتخاذ تصمیم این پرونده را مورد توجه قرار دهد و با توجه به محتویات آن نوع تصمیم خود را مشخص نماید. نظرات فقها به عنوان کارشناسان اسلامی و کسانی که مجوز استفاده از منابع احکام اسلامی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) را به علت در اختیار داشتن ابزارهای استفاده از آن منابع (علوم حوزوی) دارند، بسیار مهم و لازم‌الاتباع برای پیروان دین اسلام است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه تطبیقی حقوق دو کشور ایران و مصر که هر دو شریعت‌مدار هستند و در تصویب قوانین و مقررات به ویژه در زمینه حقوق کودک دارای محدودیت‌های شرع محور می‌باشند می‌توان گفت که در کشور مصر با اینکه یک کشور اسلامی است و رویکرد تقنینی این کشور طبق موازین اسلامی می‌باشد قوانین کیفری خودش را منطبق با قوانین بین‌المللی تدوین نموده است چرا که سن ۱۸ سال کامل میلادی را بلوغ جزایی قلمداد نموده است و شروع مسئولیت کیفری را نیز از ۱۲ سالگی مقرر نموده است و از همه مهمتر تبعیض و تفکیک جنسیتی بین مجرمین دختر و پسر نیز قائل نشده است و جهت جلوگیری از تشتت آرا اقدام به تقنین قانونی واحد راجع به اطفال و نوجوانان و مسئولیت کیفری آنها نموده است که این امر باعث شده قوانین کیفری کشور مصر در زمینه تعیین جرائم و واکنش‌های کیفری اعم از مجازات یا اقدامات تأمینی تربیتی در زمینه برخورد با کودکان معارض با قانون در قیاس با معیارها و استانداردهای بین‌المللی مطابقت بیشتری داشته باشد.

۱. ماده فوق‌الذکر آنچه باید در این پرونده درج گردد را احصا کرده است که عبارت است از ۱- تمام اوراق مربوط به اجرای حکم صادره علیه طفل و ۲- قرارها، دستورات و احکامی که در خصوص اجرای حکم صادر می‌شود.

البته، هماهنگی با قوانین و مقررات بین‌المللی به معنای صحیح بودن مطلق این مقررات نیست اما به معنای پذیرش خرد جمعی و یا عقل جمعی در برخورد با مسائل اجتماعی است. لذا حقوق کیفری مصر در سه زمینه مورد مطالعه در تحقیق حاضر با مفاهیم تعیین حداقل سن کودک، عدم تأثیر جنسیت در تعیین نوع و میزان واکنش اجتماعی و تنوع تدابیر و واکنش‌های کیفری رویکرد مناسبتری دارد. همچنین پرهیز از مجازات‌های خشن و شدید نظیر مجازات‌های سالب حیات و بدنی نظیر شلاق و حتی عدم پیش‌بینی جزای نقدی در زرادخانه کیفری این کشور آن را با مقررات اسناد بین‌المللی مربوطه به ویژه کنوانسیون حقوق کودک هماهنگ‌تر و مقبول‌تر ساخته است.

حقوق کیفری ایران در زمینه‌های پیش گفته، دارای کاستی‌ها و اشکالات عدیده است؛ پایین بودن حداقل سن مسئولیت کیفری، تبعیض جنسیتی در اعمال واکنش‌های کیفری، اعمال مجازات‌های بدنی نظیر سالب حیات و شلاق از مواردی است که سیاست‌گذاری جنایی در این حوزه را با چالش روبرو نموده است. همچنین وجود سه پرونده مجزا در دستگاه عدالت کیفری مصر یعنی پرونده کیفری، پرونده شخصیت و پرونده اجرا از مزایای این نظام حقوقی است، لیکن در نظام دادرسی کیفری ایران پرونده اجرا جایگاهی ندارد و رویکرد افتراقی در این زمینه در مرحله اجرا پذیرفته نشده است و بین مرتکبان بزرگسال و خردسال رویه یکسان اعمال می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران جنایی ایران با نگاهی کاملاً منطقی و یک رویکرد واقع‌بینانه به مسئله اطفال بزهکار، هم از حیث ماهوی و هم از حیث شکلی، در رابطه با کیفردهی منطقی و گزینش آیین دادرسی کیفری افتراقی اقدام‌های اساسی در زمینه اصلاح قانون مربوطه را در پیش گیرد. چرا که دیدگاه‌های فایده‌گرایانه و نیز عملکرد نظام عدالت کیفری با هدف بازپروری و باز اجتماعی ساختن اطفال بزهکار، فراتر از دیدگاه‌های سزادهی و گرایش به کیفردهی محض در حوزه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان اهمیت یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۲ ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دارالمعرفه.
- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی (دانش اجرای احکام کیفری). جلد چهارم. تهران: جاودانه جنگل.
- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی. جلد دوم. تهران: جنگل جاودانه.
- اصغری، عبدالرضا (۱۳۸۹). سن مسئولیت کیفری در حقوق اسلام. فصلنامه الهیات و حقوق. (۲): ۹۴ - ۷۹. قابل بازیابی از:
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/22636>
- الیاسی، مرتضی (۱۳۸۹). حق شرط بر معاهدات بین‌المللی. مجله معرفت. (۸۲): ۸۱ - ۷۱. قابل بازیابی از:
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/21542>
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۶). حقوق مدنی. جلد ۴. چاپ ۱۲. تهران: انتشارات کتابفروشی. اسلامیه.
- بابرتی، محمد بن محمد (۱۴۱۸ ق). العنایه شرح الهدایه. المجلد ۹. بیروت: دارالفکر.
- حسینی آهق، مریم و خانی، زهره (۱۳۹۵). سن مسئولیت کیفری کودکان از دیدگاه امام خمینی (س) و قانون مجازات اسلامی (مطالعه تطبیقی با قوانین کشورهای اسلامی). پژوهشنامه متین. (۷۰): ۶۵ - ۴۷. قابل بازیابی از:
- <http://ensani.ir/fa/article/357740>
- حیدری، مسعود (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. (۱): ۱۱۴ - ۹۱. قابل بازیابی از:
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=354857>
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور. جلد ۲۱. تهران: موسسه نشر آثار حضرت امام خمینی ره.
- قنبری، محمد، عبدالهی، سامان و وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۹۹). راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. (۵۲): ۲۰۴ - ۱۸۳. قابل بازیابی از:
- http://journals.police.ir/article_95061.html
- رحیمی، موسی و رحیمی دهنسوری، رضا (۱۳۹۶). گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: جاودانه جنگل.
- سرخه، محمود (۱۳۹۶). چالش جزای نقدی و جایگزین‌های آن در جرائم اطفال. همایش ملی حقوق و علوم جزا. تهران.

- سُغدی، علی بن حسین (۱۴۰۴ ق). التتف فی الفتاوی عمان، دارالفرقان. المجلد ۱. بیروت: مؤسسه الرساله.

- شهلاء جاسم محمد الحمدانی (۲۰۱۳). المسئولیه بین الشریعه الاسلامیه و القانون الدولی، خطه رساله لاستكمال متطلبات درجه الماجستير فی القانون. جامعه الشرق الاوسط. الاردن.
- شاملو، باقر و گوزلی، مهدی (۱۳۹۰). پرونده شخصیت در حقوق ایران و فرانسه. آموزه‌های حقوق کیفری. (۲): ۱۱۸ - ۸۹ قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/316260>

- صبور، مهدی و علوی صدر، فاطمه (۱۳۹۴). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهشنامه حقوق کیفری. ۶(۱): ۱۹۴ - ۱۷۱. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=291298>

- عباسی سرمدی، مهدی و زنگی اهرمی، عهدیه (۱۳۹۴). بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی. دو فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). ۲۰(۶۳): ۴۱ - ۲۳. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/354770>

- عبدالمنعم، سلیمان (۲۰۰۶). اصول الاجرائات الجنائیه، المجلد الثاني. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.

- عوده، عبدالقادر (۱۴۱۵ ق). التشریح الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی. بیروت: دارالكتاب العربی.

- عتیبی، سعود بن عبدالعالی (۱۴۲۷ ق). الموسوعه الجنائیه الإسلامیه المقارنه بالأنظمة المعمول بها فی المملكة العربیه السعودیه عربستان.

- غلامی، حسین (۱۳۹۵). کیفرشناسی. تهران: میزان.

- کریانگ ساک کیتی چایساری (۱۳۹۲). حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه دکتر حسین آقایی جنت‌مکان. تهران: جنگل جاودانه.

- گودرزی، فرامرز (۱۳۷۵). پزشکی قانونی. چاپ ۴. تهران: انتشارات انیشتین.

- معظمی، شهلا (۱۳۹۴). دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان. تهران: نشر دادگستر.

- محمدیان، سارا و محمدرضاپور، بابک (۱۳۹۲). لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران. مجله پزشکی قانونی. ۱۹(۲ و ۳): ۳۳۰ - ۳۲۱. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=224526>

- مرغینانی، علی بن ابی بکر (۱۴۲۰ ق). الهدایه فی شرح بدایه المبتدی. المجلد ۳. بیروت: دارإحياء التراث العربی.

- میرکمالی، سید علیرضا و حسنی، انسیه (۱۳۹۵). دادرسی افتراقی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. پژوهشنامه حقوق کیفری. (۲)۷: ۲۷۲ - ۲۴۵. قابل بازیابی از:

https://jol.guilan.ac.ir/article_2037.html

- نجفی توانا، علی (۱۳۸۸). ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی کودکان بزهکار. فصلنامه خانواده پژوهشی. (۲)۵: ۳۱۹ - ۲۹۳. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/1273788>

- نجفی توانا، علی (۱۳۸۴). سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی. فصلنامه مدرس علوم انسانی. ویژه‌نامه حقوق. (۴۱)۹: ۱۳۵ - ۱۱۱. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=53154>

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳). حقوق کیفری کودکان و نوجوانان. تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱). گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری. پژوهشنامه حقوق کیفری. (۲)۳: ۲۰۴ - ۱۸۷. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/331614>

- هاشمی، سید حسین (۱۳۹۴). بررسی فقهی - حقوقی رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید به سن رشد و مسئولیت کیفری کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی. حقوق تطبیقی. (۱)۱۱: ۷۴ - ۵۱. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/386317>

منابع لاتین

- McDiarmid, Claire (2013). "An Age of Complexity: Children and Criminal Responsibility in Law". Youth Justice, SAGE Journals. 13(2):145 - 160 .

<https://doi.org/10.1177/1473225413492056>

سایت‌های اینترنتی:

- <http://www.arabccd.org>.

قوانین

- ۱) قانون الطفل المصری رقم ۱۲ لسنة ۱۹۹۶ والمعدل بالقانون ۱۲۶ لسنة ۲۰۰۸
- ۲) قانون العقوبات رقم ۵۸ لسنة ۱۹۳۷ و المعدل بالقانون لسنة ۲۰۱۶
- ۳) قانون الإجراءات الجنائية الصادر بالقانون رقم ۱۵۰ لسنة ۱۹۵۰ و المعدل بالقانون رقم ۹۵ لسنة

۲۰۰۳